



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۴/۶

فرهاد لیبیب

- گویی درد ما را پایان و درمانی نیست . فقط در همین دو روز ، میثونیم و می خوانیم .
- در اثر بمباردمان " اشتباهی " در دشت برچی قندوز تعدادی گشته شدند (بی بی سی و دیگر منابع خبری) .
- شانزده فیصد کارگران خورد سال در افغانستان مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند . (کمیون مستقل حقوق بشر) .
- سیزده ملیون انسان در افغانستان امنیت غذایی ندارند . (سازمان ملل متحد) .

هنوز نوشته ای پیوست به پایان نرسیده بود که این خبر منتشر شد :
- در اثر مین های کشت شده در افغانستان ، ماهانه به صورت اوسط 180 نفر گشته و معیوب می شوند (ام ام آی)

بگذریم از گشته و زخمی شدن صد ها فلسطینی توسط عساکر اسرائیلی و یا اینکه در یمن و ... چی جنایاتی است که در همین تنها دو روز صورت نگرفته است .

عجیب اینکه : بخاطر بی هوشی یک جاسوس دو سره ای روسی " سرگی اسکرپال " ، جنگ دیپلوماتیک بیست و سه کشور براه می افتد ، اما بخاطر جنایاتی که در بالا ذکر شد ، آب از آب تکان نمی خورد .
گویی انسانیت مسخ شده است . گویی آدمیت مُرده است . کجاست حقوق بشر ، سازمان ملل چی بگویم ؟؟

نوشته پیوست تراوش روانی چنین اوضاع و احوال است که می خوانید . (ف - ل)

عبور از شهر خاکستر

روزگاریست عجیب . انسان ، انسانیت اش را میان " ثروت ، شهوت و شهرت " از یاد بُرده است . آدم ، آدمیت اش را میان هیاهوی " زر ، زور و تذویر " گم کرده است .

هیچ چیز سر جایش نیست ، همه چیز عوض شده است . از قول و قرار گرفته تا راست بودن و راست گفتن گویی کاخ انسانیت فرو ریخته است . گویی شهر آدمیت در جغرافیه جهان حضور نداشته است .

باری " وفا ، سخا و صفا " (1) را شاید در میان تابوت های سنگی و یا سفالی عصر عتیق پیدا کرد ، آن هم در قبرستان های زمان " همورابی " (2) .

عشق و محبت را نیز فقط در میان اجساد مومیایی شده در " اهرام مصر " و یا در " شهر مرده گان " (3) باید یافت .

" صداقت و راستی " را شاید قرن ها پیش در " جلجتا " (4) به صلیب کشیده اند . نام این دورا باید در فراموش خانه ای شهر " بابل " جستجو کرد .

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

روزگاریست عجیب . گویی چرخ تاریخ نه تنها ایستاده ، بلکه به عقب برگشته است . " فرعون " اساطیری دوباره زنده شده است . با همان ادعای خداوندی . جالب اینکه : بنده گانش نیز روز افزون اند و اهل بیت اش نیز فراوان شده اند .

" گوساله ای سامری " (5) نیز چاقتر از قبل و فریبیده تر از پیش ، برای بلعیدن زر بانگ بر داشته است . اما بر خلاف سابق ، اینبار برای بلع " طلا " فقط خون می نوشد و اشک ، بی وقفه ، خون انسان ، اشک آدم .

" موسی " نیز فراری شده است . آنسوی صحرائی " سینا " . دور تر از " کوه طور " . موسی تنها فراری نشده ، اسیر است . اسیر در " رام الله " و شاید هم در " غزه " همراه با " ید بیضا و عصایش " (6)

" قارون ، فرعون و بلعم " همچنان هم پیمان اند و با " ثروت ، قدرت و سیاست " بر انسانیت حکم می رانند .

فاجعه اینجاست که : " قارون و فرعون " را این بار حرص جنون زده کرده است . باری جنون قدرت ، جنون ثروت .

قارون و فرعون به هیچ چیزی رحم ندارند . نه به انسان ، نه به حیوان . آنها حتا به نبات و جماد نیز رحم نمی کنند . حرص زر و ثروت آنها را چی بگویم حتا به فرزندان شان نیز ، بی رحم و ... بیگانه ساخته است .

روزگاریست عجیب . گویی " هبل ، لات و منات " (7) رابه مکه برگشته و همراه با " عزی " به طاقش نشانده اند . " ابو جهل " (8) را نیز متولی کعبه ساخته اند ، اما نه به نام لات و منات ... ، بل به نام " الله " .

مسجد " ضرار " (9) را ، با هزاران مسجد همسان ، دوباره اعمار کرده اند . نه تنها در سرزمین " حجاز " بلکه در سراسر جهان اسلام .

دردناکتر اینکه : " خدا " نیز از نزد بنده گانش گم شده است . مومنین " خدا " را در آسمان ها می جویند . در آنسوی کهکشان ها . مومنان فراموش کرده اند و یا هم نمی دانند که ، خدا در این نزدیکیست ، نه در آن سوی ابر ها و آسمان ها . خدا بسیار نزدیک است ، باری نزدیکتر از شریان در بدن (10) .

جای " قران " نیز عوض شده است . قران را میان پارچه ها ، بالای دروازه و طاقچه ها دور از دست و از چشم همه گان جا داده اند . یا هم میخکوب و زندانی کرده اند . جای خواندنش نیز عوض شده است . " قران " را یا در مساجد برای اموات می خوانند و یا در قبور با آواز رسا برای مردگان . چی بگویم؟ همه چیز بی جا شده است ، زمین و زمان ، آدم و آدمیت ، انسان و انسانیت ، همه و همه .. باری چنین است روز و روزگاران ما .

اما..... اما آنچه در این غوغا و هیاهو از دیده ها پنهان مانده و کمتر کسان می دانند و می بینند اینکه : دریای " نیل " طغیان کرده است . طغیان برای بلعیدن " فرعون " . " نیل " این بار تنها نیست . همه دریا ها ، از دریای " احمر " و " مدیترانه " گرفته تا نیز با او هم دست اند . همه آب ها و دریا برای بلعیدن و غرق کردن " فرعون " ، خانواده و یارانش دهن باز کرده اند .

" قارون " نیز میان " دیوار چین " و " تاج محل " در هند گیر کرده است . " قارون " از همین حالا در ریگستان های " راجستان " تا کمر فرو رفته است .

راز افسون و فریب " بلعم " نیز افشا شده است . حتا کودکان " بنارس " و " کابل " نیز به فریب آنها می خندند .

جوانان "فلسطین" با سنگ و چوب به جان لشکر "فرعون" افتاده اند. آن ها تنها نیستند. مردم از "شام" و "بین النهرین" گرفته تا کشور "صبا" (11) چی بگویم.....؟! حتا از سراسر جهان، آنها را هم راهی می کنند. جهان نزدیک شده است.

نقاب دروغین "دجال" (12) نیز پاره شده است. دیگر کسی فریب چهره ای نحس و دروغین او را نمی خورد.

صدای پای "مهدی موعود" (13) از قله های سر بلند "پامیر و پاپا" به گوش جهانیان رسیده است. دریای "آمو و اباسین" نیر دیربست که برای غرق کردن "فرعون" متلاطم شده است.

باری کار و کارنامه های "فرعون"، اعوان و انصارش به پایان رسیده است و عمر "قارون و بلعم" نیز. مرگ آنها را تاریخ رقم زده است.

چی بگویم.....؟! همه چیز به جایگاهش بر می گردد. نور محبت دو باره به دلها خواهد دمید، آفتاب عشق جهان را روشن خواهد کرد. سخا، وفا و صفا دو باره به جان آدمی جا خواهد یافت. جای دروغ و ریا را، صداقت و راستی خواهد گرفت. سر انجام جای اشک را شادی و جای خون را سر حالی و خوش دلی پُر خواهد کرد. فقط انتظار باید بود. منتظر "مهدی موعود" و پایان کار "قارون، فرعون و بلعم". آن زمان فرا رسیده است و تاریخ نیز بر آن مهر تابید زده است.

4 اپریل 2008

ودستاک - انتریو - کانادا

شرح نام ها و کارگردها :

1 - سه مرحله ای است، در مکتب عیاران، که "عیار" و "یا" "کاکه" آنها باید موفقانه سپری می کرد، تا بدان نام شناخته می شد.

2 - "همورابی" ششمین امپراتور مقتدر "بابل" 1792 - 1750 قبل از میلاد بود. مشهورترین چیز ماندگار او او قانونی است در 282 ماده، حک شده در سنگی به طول دونیم و عرض یک و نیم متر.

3 - شهر مردگان (وادی خاموشان) قبرستان است با دو هزار سال قدمت در نزدیکی شهر منیا، در جنوب قاهره

4 - "جلجتا" نام منطقه و محل است که حضرت عیسی را در آنجا به صلیب کشیده اند.

5 - "سامری" شخص جادوگری بوده از بنی اسرائیل که در زمان حضرت موسی می زیسته. یکی از ترفند های او این بود که قالبی از گوساله درست کرده، داخل زمین پنهان نمود. بعد از بنی اسرائیل خواست سکه های طلا خود را بر آن جا بریزند، وقتی مردم سکه را در آنجا ریختند، او بالای آنها آتش بر افروخت و تمامی طلا ها نوب و داخل آن قالب گردید، بعد او قالب را بیرون کرد. طلا ها که در آن قالب به شکل گوساله در آمده بودند، او این گوساله را معجزه خواند و تمامی طلا ها را با این فریب از آن خود ساخت.

6 - ید بیضا (تششع نور سفید) و عصا حضرت موسی کلیم الله، از جمله ع معجزات آن پیامبر گفته شده.

7 - "هیل، لات و منات" سه بُت بزرگ بودند، در کعبه که توسط حضرت محمد (ص) شکستاده شدند.

8 - عمرو بن هاشم که مسلمانان او را "ابو جهل" می خوانند، یکی از سر سخت ترین دشمنان اسلام و مسلمین در زمان پسغمبر بود. او در جنگ بدر کشته شد.

9 - مسجد "ضرار" که منافقین آنها جهت تفرقه در زمان حضرت محمد (ص) تعمیر کرده بودند. حضرت پیغمبر بعد از تشخیص این راز (تفرقه بین مسلمین) آنها تخریب نمود.

10 - نحن اقرب الیه من حبل الوری (سوره ق آیه 16) ترجمه: (ما به او (انسان) از رگ گردنش نزدیکتریم).

11 - شام ، بين النهرين و صبا ، نام های قديمی ممالک و يا کشور های لبنان ، عراق و يمن می باشند .

12 - دجال يا خر دجال و يا مسيح دروغين ، يک شخصيت شيطانی است . در اکثر ادیان و مذاهب گفته شده که در آخرالزمان موجودی به نام "دجال" ظهور کرده ، برای فریب مردم خود را ناجی بشر معرفی می کند . . ذکر کلمه ای "دجال" در مضمون فوق کنایه ای است از نجات بشریت به نام ديموکراسی و

13 - در اکثر ادیان جهان به خصوص ادیان ابراهیمی ، آمدن ناجی و هدایت گر برای بشریت وعده داده شده است . در مذاهب (سنی و شيعه) همين ناجی را "مهدی" و يا مهدی موعود می خوانند .